

## بازخوانی مراحل حیات شهری پیامبر ﷺ

\* فاطمه جان احمدی

\*\* اصغر منتظرالقائم

\*\*\* رضا کرمی

### چکیده

مدینه‌النبی جامع ارکان مادی و معنوی یک شهر اسلامی است. شهری که فرایند سیر و تحول قریه به مدینه را در قالب حیات شهری پیامبر ﷺ تجربه کرده و نمایان ساخته است. هرچند طرح شهری مدینه‌النبی در راه اجرای کامل پس از رحلت آن حضرت متوقف ماند. لکن با کمک علم تاریخ قابل بازسازی و تجسم بخشی است. حیات شهری پیامبر اسلام ﷺ پنج مرحله مجزا را طی کرد: مکه او را راند و حیات شهری مکی او را سلباً سامان داد. یثرب او را خواند و شرایطی که اجابت او را به دنبال داشت، حیات شهری دارالهجره را شکل داد. طیبه - مدینه‌الرسول - مدینه‌النبی، سه مرحله دیگر از حیات شهری پیامبر ﷺ است. این مقاله سعی در تبیین ویژگی‌های هر یک از مراحل مذکور و فرایند تحول آن را دارد تا روشن گردد حیات شهری پیامبر ﷺ برای وصول به تحقق تمدن اسلامی چه مرحله‌ای را طی کرده و در عرصه‌های پنج‌گانه فوق، طرح‌واره جهان شهر آرمانی اسلام را چگونه کامل کرده است که حاصل آن نه صدها شهر تأسیسی و توسعه‌ای طی چهار قرن پس از رحلت آن حضرت، بلکه طرح‌واره‌ای بود که در بستر تاریخ در انتظار اجرای کامل باقی ماند.

### واژگان کلیدی

تمدن اسلامی، شهر اسلامی، مدینه‌النبی، پیامبر ﷺ.

janahmad2004@yahoo.com

montazer5337@yahoo.com

\*\*\* دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی.

reza.karami188@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۹/۲۵

\*. دانشیار دانشگاه الزهراء ﷺ.

\*\* استاد دانشگاه اصفهان.

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۶/۰۸

### طرح مسئله

بیشتر محققانی که در زمینه‌های هنر، معماری و شهرسازی در اسلام اظهار نظر کرده‌اند، به روح هنرپرور و احکام کالبدساز اسلام برای هویت‌بخشی به یک شهر اسلامی نیز اذعان کرده‌اند. صرف نظر از کسانی که قائل به عدم وجود علم شهرسازی در میان مسلمانان هستند، در کرانه دیگر، عده‌ای قائل به عطف در عرصه‌های هنر و معماری و شهرسازی اسلامی شده‌اند. کم نیستند صاحب‌نظرانی که با نگاه به آثار به‌جا مانده از دوران تمدن اسلامی، روح اسلامی آن آثار را برگرفته از معارف قرآن و تعالیم پیامبر ﷺ ارزیابی کرده‌اند. شهر آمیزه‌ای از شکل<sup>۱</sup> و محتواست، که هریک دارای اجزا و ارکانی است. اینکه شکل شهر خود زاییده محتوای آن است و محتوا نیز منبعث از جهان‌بینی شهروندان آن است، شکی نیست؛ لکن باید دید اسلام تا چه اندازه در خلق فرم شهر پس از القای محتوای سبک زندگی اسلامی قادر به شهرسازی بوده است. جنبش عمران و شهرسازی که در آغاز توسعه جغرافیایی اسلام منجر به ساختن شهرهایی چون بصره (۱۶ ق)، کوفه (۱۷ ق)، فسطاط (۱۹ ق)، واسط (۸۳ ق) و رام الله (۹۷ ق) شد و در گام بعد در نهضت شهرسازی جهان اسلام پدیداری شهرهایی چون بغداد (۱۴۸ ق)، فاس (۱۶۹ و ۲۳۴ ق)، الزهرا (۳۲۵ ق) و قاهره (۳۵۸ ق) را موجب گردید، به دست مسلمانانی به‌پا شد که در آغاز راه جز یک جهان‌بینی نداشتند و تجربه‌های شهرنشینی آنان منحصر در توده‌هایی از کلبه‌های گلی و سیاه‌چادرهایی ساخته‌شده از پشم و کرک بود.<sup>۲</sup> مطالعه در تاریخ اسلام گویای آن است که همان اندازه که تعالیم اسلامی به شهر و مدنیت رغبت داشت، مسلمانان اولیه به بادیه و صحرائشینی رغبت داشتند. پس چنین جنبشی در قلمرو شهرسازی اسلامی چگونه حاصل آمد؟ این در حالی است که سبک و سیاق ساختار کالبدی شهرهای سده‌های نخست، حاصل عوامل متعددی بود که فقط یکی از آنها طرح اولیه<sup>۳</sup> است که آن هم از اقالیم و فرهنگ‌های محلی تأثیر می‌پذیرفت. پس صبغه واحدی که شهرهای اسلامی را در محتوا و شکل متمایز می‌کرد چه بود؟ در تقسیم‌بندی شکل شهر اسلامی در چهار سده نخست می‌توان به دارالهجریها، پایتخت‌ها و شهرهایی با کاربری‌های دیگر از جمله مذهبی اشاره نمود. دارالهجریها یا اردوگاه‌های نظامی اولیه مانند کوفه و بصره در عراق و فسطاط و قیروان در آفریقا، نقش کاملی از کاربری اسکان موقت

1. Form.

۲. آذرنیوشه، «جنبش شهرسازی در سده‌های نخستین خلافت اسلامی»، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال چهارم، تابستان ۱۳۹۲، ش ۱۱، ص ۱۳۴ - ۱۱۳.

3. Concept.

شهری و تکمیل تدریجی ظرفیت زیرساخت‌های شهری برای اسکان دائم بودند. درحالی‌که شهرهایی مانند دارالسلام بغداد (۱۴۸ ق)، سامرا (۲۲۱ ق)، الزهرا (۳۲۵ ق) و قاهره المعزیه (۳۵۸ ق) به‌منظور قدرت‌نمایی اقتصادی و فناوری در شهرسازی و به‌عنوان پایتخت حاکمان جدید اسلامی، مکان‌یابی و طرح‌ریزی و اجرا شدند.<sup>۱</sup> در این میان شهرهایی چون نجف، مشهدالرضا<sup>۲</sup> و کربلا با سیاقی متفاوت در عرصه شهرسازی مطرح‌اند؛ چراکه سیر تکامل شهری خود را با دلایلی متفاوت به انجام رساندند. برای مثال در مورد نجف اشرف، هارون الرشید (۱۷۰ ق) دستور برپایی اولین بارگاه علوی را صادر کرد، سپس ابن‌سہلان (۴۰۰ ق) اولین حصار را دور آن احداث نمود، و در نهایت کسی که در این سیر کاربری علمی - مذهبی را به‌عنوان یک شهر به اتمام رساند، شیخ طوسی (۴۴۹ ق) بود که با هجرت خود، اولین مدرسه جامع دینی اسلامی - شیعی را در آن برپا ساخت.

با این مقدمه، سؤالی جدی پیش روی ماست که جدای از بیان منکران یا قائلان به درون‌زایی فناوری شهری در اسلام، آیا در تاریخ صدر اسلام و حیات طیبه پیامبر اعظم ﷺ شهر و شهرسازی جلوه‌ای عینی داشته و اساساً می‌توان در قول و فعل و تقریر پیامبر ﷺ عوامل ایجابی و ایجادی شهر اسلامی را یافت؟

برای ورود به پاسخی متکی بر منابع تاریخی، با روش توصیفی - تمثیلی می‌بایست از رهیافت علمی و آرای متفکران اسلامی نیز غافل نبود. از آنجاکه آثار زندگی بشری یک پیامبر ﷺ با آثار زندگی پیامبرانه یک بشر، هردو از مجرای تاریخ حاصل می‌آید، لکن متولی قسم اول باستان‌شناس و شهرساز و متولی قسم دوم متکلم و دین‌شناس است. از این رو سلب این ورود، انصراف از دیدگاه کلامی و رجوع به تبادرات آثار پژوهی دارد. همچنین ورود به مراحل حیات شهری پیامبر ﷺ مستلزم دو ایجاب نیز هست: ایجاب اول، قائل بودن به پیوستگی مدنیت و دیانت،<sup>۳</sup> و ایجاب دوم قائل شدن به زیرساخت فرهنگی شهر که از آن به محتوای فرم شهر تعبیر می‌شود.<sup>۴</sup> دیدگاه اقتصادبنیان مجتمع‌های شهری، که شهر را حاصل مازاد تولید یا حاصل رجوع حوزه نفوذ خود به سبب وجود صنایع یا خدمات می‌داند، فاقد چنین ایجاب‌هایی است.<sup>۵</sup>

۱. انور الرفاعی، تاریخ هنر در سرزمین‌های اسلامی، ص ۳۳ - ۲۷.

۲. امام رضا ﷺ در نوغان طوس شهید شدند. بعدها سناباد و طوس به هم پیوست و به مشهد تبدیل شد.

۳. حجازی، نقش پیامبران در تمدن انسان، ص ۵.

۴. دانش و اعتقاد و هنر و اخلاق و رسوم که انسان به‌عنوان مفهومی از جامعه شهری آنها را با خود دارد، فرهنگ و شهر اوست.

۵. موریس، تاریخ شکل شهر، ص ۱۰.

از سوی دیگر ترسیم و تجسیم حیات شهری پیامبر ﷺ، حکایت دفاع از باورهای اعتقادی دین اسلام در مورد نبوت و رسالت نیست، بلکه پی‌جویی فرایند شکل شهری است که آن حضرت آن را طرح و سپس درصدد اجرایش برآمد. در این مسیر لازم است سه مفهوم تبادرساز نیز قبل از ورود به مراحل شهری حیات نبوی ﷺ بیان شود:

تمدن دارای تنوع تبادری به وسعت خود آن است. صرف نظر از قائلان به وحدت تمدنی در عالم،<sup>۱</sup> صاحب‌نظران تمدنی، عوامل موجهه متعددی برای تمدن‌ها بیان کرده‌اند. حاصل نظرات آنان این است که تمدن موجودیتی دوساحتی (ساحت مادی و ساحت معنوی) دارد و عرصه مادی آن تجلی‌گر خرد و اندیشه آدمی است و حاصل و نمود رشد عقلانیت بشر و پیشرفت علوم و فناوری بشری است. پس تمدن دو بخش دارد: بخش مادی و بخش روابط انسانی و قوانین و هنرها که دربرگیرنده تکامل معنوی افراد جامعه است.<sup>۲</sup>

تمدن آمیزه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های بشری و میراثی از گذشته‌های دور (مادی و معنوی) است که جامعه بشری می‌سازد. این صبغه تلقی از تمدن در اظهارات متفکران اسلامی سده اخیر به تناسب دغدغه‌ای که از اوضاع جوامع اسلامی داشته‌اند، به انحای مختلف بیان گردیده است.

در میان تمدن‌های شناخته‌شده مثل یونانی، رومی، قبطی، بین‌النهرین، هندی و چینی، تمدن اسلامی متوازن‌تر، انسانی‌تر و خدوم‌تر است و سیر آن نهفته در نیت پدیدآورندگان آن است. مطالعات تاریخی گواه آن است که پدیدآورگان تمدن اسلامی علماً هستند و این جایگاه علم و عالم و رابطه آنها با حاکم، هندسه‌ساز تمدن اسلامی است. مسلماً کشف و ابداع و اختراع و تولید علم، حاکمیت می‌خواهد، اما این حاکمیت متواضع در مقابل علم و ساحت عالم، خود را در معرض تمدن‌سازی قرار می‌دهد. اما از آن سو عالم مرجع حاکم، جز با اخلاص در اعلمیت علم، به ساحت مرجعیت نائل نمی‌گردد. گویی این‌دو روند تمدن‌ساز اسلامی را فراچنگ امت قرار داده‌اند.<sup>۳</sup>

۱. مانند آنچه در مفهوم مظهر اسم الهی قائل است که تمدن‌های چهارگانه عالم به دو مظهر جمال و جلال و دو عرصه ابتدایی و پیشرفته تقسیم شده‌اند. در این تفکر تمدن هخامنشی (جمال ابتدایی) و تمدن یونانی / رومی (جلال ابتدایی) و تمدن اسلامی (جمال پیشرفته) و تمدن غربی (جلال پیشرفته) دانسته می‌شود.

۲. منتظرالقائم، نقش پیامبران ابراهیمی در تمدن‌سازی، ص ۴۷.

۳. صادق آینه‌وند در تمدن اسلامی نوین در راستای فواید علم جهت‌دار خالصانه در تمدن‌سازی اسلامی به کلامی از حاجی خلیفه در کشف الظنون اشاره می‌کنند که قابل تأمل است. (بنگرید به: مرکز الگوی اسلامی ایران پیشرفت، دانشگاه تربیت مدرس)

هرچند تأکید بر جامعیت دین، دلالت تام قرآن و لزوم پاسخ به همه سؤالات از یک سو و کلیت دین، ارائه خطوط اصلی و پاسخ‌های بی‌زمان و مکان به سؤالات از سوی دیگر یک تضاد به نظر می‌رسد، لکن با تأملی دوباره به آموزه‌های دین در بیان کلی و جزئی آن، پیوندی وثیق یافت می‌شود؛<sup>۱</sup> تا جایی که نخستین گام در تدوین مبانی نظری معماری و شهرسازی برای جامعه‌ای مسلمان عبارت است از شناسایی اصول و مفاهیم و معییری که تعالیم اسلام برای ابعاد و زمینه‌های مختلف زندگی انسان ارائه نموده است. از جمله این اصول، روش بومی‌سازی برگرفته‌های برون‌مرزی اسلامی است؛ چنان‌که در ایران، هنر اسلامی موتیف‌های بسیاری را از ایران پیش از اسلام و میراث فوق‌العاده غنی آن، و نیز موتیف‌هایی از آسیای مرکزی اقتباس نمود، اما این موتیف‌ها به واسطه روح اسلام استحاله شدند و به‌عنوان اجزایی از ساختارهای اسلامی به کار گرفته شدند.<sup>۲</sup>

از سویی حتی توجهی اندک به نظرات پیرامونی شهر دینی، شهر مقدس، شهر آرمانی یا اتوپیا و مدائن فاضله، ما را با انبوهی از مبانی نظری شهری مواجه خواهد کرد که در برون‌مرزی اسلامی برگرفته از وعده‌های آسمان و شهرهای انبیا و درون‌مرزی آن برگرفته از مضامین وحیانی و ذوق شهودی - عرفانی عالمان اسلامی است. اندیشه ناکجاآبادی و آرمان‌شهر اندیشی در پیش از اسلام نیز مسبوق به سابقه بوده است. در اساطیر ایرانی نخستین انگاره‌های آرمان‌شهر ایرانی بهشت دیلمون، گنگ دژ، شهر ورجمکرد و فرشکرد هویدا است. بزرگانی چون طبری، فردوسی، ناصر خسرو، نظامی، سعدی، مولوی، عطار و جامی، هریک به‌نوعی جامعه‌ای آرمانی و مدینه‌های فاضله را توصیف کرده‌اند.

دارالاسلام، شهر صالحین، ام‌القری و شهر موعود، همان خوبستانی است که جزو آرزوهای بشر و غیر منحصر به آموزه‌های اسلامی بوده است. در عین حال که بعضی محققین اسلامی آیاتی خاص را بر نحوه ساختار شهر اسلامی شاهد می‌آوردند، می‌توان گفت اسلام با تمام ابعاد و قرآن با تمام آیاتش با تبیین و توجیه پیامبر ﷺ و ائمه هدی ﷺ شرایط شهر اسلامی (آرمانی) را مطرح و متجسم می‌کند؛ درحالی‌که آرزوهای مدنی بشر قبل از اسلام برای ایجاد شهر موعود، از جنبه‌های نظری فراتر نرفت و اساساً چنین استعدادی را نداشت.

۱. کرمی، اخلاق شهری و حقوق شهروندی، ارائه‌شده در جمع مهندسين و دانشگاهیان استان همدان در سمینار روز مهندس.

۲. نقی‌زاده، «منابع و روش شناخت مبانی نظری معماری قدسی در شهر اسلامی»، مجله هنر، ش ۴۰، ص ۱۱۶ - ۹۹.

اتوپیا	مدینه موعود
آرزویی است که انتظارش را دارد	ایده‌ای است که طرح و برنامه برایش دارد
طرحی ذهنی و ایدئال از دنیایی بالاتر و بهتر	خود دنیاست، اما آراسته به نیکی و پیراسته از زشتی
عدالت به‌عنوان دست‌نیافتنی‌ترین عامل آن	قسط و عدل به‌عنوان بستر لازم برای تحقق آن
اساس آن با نقد واقعیت شکل می‌گیرد	موعود خود حقیقت نهفته در بستر واقعیت‌هاست
مجرد از زمان و مکان است	در زمان و مکان اتفاق می‌افتد
معجزه و خارق‌العاده و پنداری بودن آن	خردگرایی و شایسته‌سالاری آن
صلح، آسایش و رفاه، غایت آن است	صلاح، تعالی و سعادت غایات آنند

تفاوت ماهوی دو مدینه موعود اسلامی و بشری را در مقایسه آنچه فارابی در مدینه فاضله خود ترسیم کرده، با اتوپیای کهن می‌توان یافت. او مدینه فاضله را با تعریف اضدادش نمایان‌تر و با تحدید به ارکان و اجزایش در دسترس‌تر نموده و در مقابل مدینه فاضله، مدائن جاهله، فاسقه، ضالّه و متبدله را تعریف می‌نماید.<sup>۱</sup> همچنین در صدر مدینه فاضله، خود انسان کامل را که تعریفی زمینی دارد، می‌نشانند. اما همچنان سیر تکامل مدینه فارابی در منظر اندیشمندان چون ابن‌سینا، خواجه نظام‌الملک، شیخ اشراق، خواجه نصیرالدین طوسی، ابن‌خلدون، شیخ بهائی و ملاصدرا تا طراز مدینه‌النبی فاصله معناداری را القا می‌نماید. به‌خصوص صبغه تجرد از پلیدی و هرگونه کژی و ناراستی که اساس تفکر فارابی است، نه آن‌چنان که اتوپیای غربی، اما همچنان کلی‌گو و ایده‌پرور است.

آرمان‌گرایان معاصر نیز که به‌حدّث در دوری از ایده‌پردازی‌های غیررتالیستی مشهورند، چهارچوب مبانی نظری شهر موعود را به موضوع آسیب‌شناسی تمدن اسلامی کشانده و بسیار عملکردگرا شده‌اند.

نام	سال	دغدغه	شعار	راه‌حل
محمد عبده	۱۲۸۱ - ۱۲۲۴	قبطی، ملی‌گرایی	هجوم غرب	عمل به اسلام (نفیاً و اثباتاً)
سید قطب	۱۳۴۵ - ۱۲۸۵	عربی، پان‌عربیسم	رجوع به اسلاف	تطبیق با دوره خلفا (الگوی نبوی)
علامه طباطبایی	۱۳۶۰ - ۱۲۱۸	جهان‌شهری	امت وسط	رهبری واحد فقهاتی
مرتضی مطهری	۱۳۵۸ - ۱۲۹۸	حکومت اسلامی	تعادل مادی و معنوی	هماهنگی اسلام و مدرنیته
علی شریعتی	۱۳۵۶ - ۱۳۱۲	عدالت	اسلام پویا	تعریف و تحدید امت

۱. معلمی و دیگران، تاریخ فلسفه اسلامی، بخش فارابی.

در این میان تفکر شیعی سه مفهوم نبوت، وصایت و مهدویت را دست‌مایه مدینه‌ای فاضله با شاخصه‌های عدالت، طهارت، ذکر، اصلاح، شکر، وحدت، حیات طیبه، امنیت، کرامت انسان، مبتنی بر آیات و روایات دانسته و معهود بودن آن و همچنین مبتنی بر فضایل عقلی و مفطورات بشری دانستن آن را ضروری تلقی کرده و به اثبات می‌رساند. بدین‌سان عهد الهی و طلب بشری از دو سو، امید به مدینه‌ای را فراهم می‌آورند که نه همان مدینه فاضله، بلکه مدینه‌النبی است که این‌بار مبتنی با طرح‌واره پیامبر ﷺ توسط آخرین وصی او به اجرا درخواهد آمد و این همان آرمان‌شهر اسلامی است.

این درحالی است که اقلیمی بودن، بومی بودن و مقیاس انسانی داشتن<sup>۱</sup> جزو اصول معماری و شهرسازی اسلامی از اوان شکل‌گیری مدینه‌النبی بود، در به اصطلاح تمدن اسلامی با بی‌توجهی کامل، در عظمت‌هایی متجلی شد که با روح دین و آموزه‌های قرآن و سنت تطابق نداشت. از این‌رو تطابق شهرهای مسلمانان طی چهار سده اولیه اسلامی و مطالعه تاریخ و تمدن اسلام و به‌دست دادن تعریفی درست و همه‌جانبه از آن، مستلزم بررسی دقیق جامعه اسلامی و شناخت عمیق دین اسلام است.<sup>۲</sup> این در حالی بود که در جنبش شهرسازی سده‌های اول، عدم تمرکز بر معارف و آموزه‌های وحیانی، سنت پیامبر ﷺ و روش عقلی مدیریت اجتماعی پیامبر ﷺ موجب رشد سریع و افول سریع‌تر شهرهای بسیاری شد.<sup>۳</sup> به عبارتی، عناصر شهر اسلامی چیزی جز تجلی ارکان اسلام نیست. اسلام بر سه پایه اعتقاد، احکام و اخلاق استوار است و شهر اسلامی نیز می‌باید هر سه رکن را متجلی نماید.

همت مسلمانان در بُعد اعتقادات بر آن بود که کالبد شهر نیز به‌وجهی بیانگر و جلوه‌گاه عبودیت بندگان خدا باشد. مسلمانان خویش را مطابق تعالیم اسلام خلیفه خدا می‌دانستند و صبغه الهی را به اعمال در آثار خویش می‌دادند؛ همچنان که در بُعد احکام اسلامی، شهروندان مسلمان با تکیه بر اوامر و نواهی الهی، مقید به راهبردهای فقهی در تعاملات خود بودند و از آن طریق اصول آرمانی اسلام را نمود کالبدی می‌بخشیدند؛ برای مثال، قاعده لاضرر، حریم، احترام به مالکیت دیگران، حق شُفِعه، عدم انسداد معبر و عدم جواز مجاورت فعالیت‌های آلوده‌ساز با مسجد.<sup>۴</sup>

۱. این نظر استاد است در خصوص ویژگی‌های معماری ایرانی - اسلامی.

۲. جان احمدی، تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۵۸.

۳. کرمی، «تاریخ شهرسازی در تمدن اسلامی»، همایش ملی شهرسازی در گذر زمان، دانشگاه بین‌المللی قزوین، ۱۳۹۳، ص ۷.

۴. بنگرید به: کتب قواعد اصول فقه.

در شهرهای اسلامی ساختار شهر را در عین تنوع عملکرد، به وحدت در کالبد شهری و بهره‌گیری از عوامل اصلی سمبلیک به‌عنوان ایده اصلی<sup>۱</sup> بهره‌مند می‌ساخت. در مرحله تنمیم و تکمیل نیز اخلاق اسلامی، روح جمال‌پسند آدمی را در افکار تولیدی و افعال عبودی‌اش مزین می‌ساخت. نظم و سادگی و زیبایی قرین هم می‌گشت و جلوه‌ای آرام، اما عمیق از حیات ناسوتی انسان ارائه می‌نمود و این، هرچند بر دو رکن اعتقاد و احکام متکی نبود، جدا از آن‌دو نیز متصور نبود؛ چنان‌که سیمای شهری نیز از وحدت و هماهنگی دم می‌زد. برای مثال، اصفهان زمان صفویه یکی از شهرهایی بود که شیخ بهایی توانست به‌عنوان یکی از آرمان‌گرایان اسلامی آن را به سمت آرمان‌شهر اسلامی با الگوی مدینه‌النبی سوق دهد، این حاصل هماهنگی بین اعتقاد و احکام و اخلاق بود.

از سوی دیگر در بُعد تمهید اجزای عناصر مفهومی و کالبدی شهر اسلامی، محرکه آرا از نفی و انکار مطلق تا جزئی‌پردازترین تلقی‌ها را شاهدیم. از یک سو بعضی اندیشمندان اسلامی قائلند اسلام جز در کلان امور و آن هم ناظر بر بُعد معنوی حیات بشر سخنی ندارد و از سوی دیگر عده‌ای از دانشمندان اسلامی قائل به بیان دین در جزئی‌ترین رفتار بشرند. دسته اول تبادری لاهوتی از دین را دلیل ادعای خود می‌گیرند و دسته دوم جامعیت و کمال دین را حجت مدعای خود اخذ می‌کنند.

باید گفت که اساساً اسلام مدل تفکر اجتماعی و حیات شهری است و حرمت تَعَرُّب پس از هجرت اهتمام دین بر زندگی شهری و اصل تسلیم و قانون‌پذیری و انقیاد و التزام در برابر رهبر و قانون از طرفی، و اعرابیت و بادیه‌نشینی سایه جهالت و قانون‌گریزی از سوی دیگر تلقی به قبول شده است. در همین راستا این مقاله سعی دارد عناصر اسلامی شهر را در متون دینی، به‌خصوص در حیات شهری پیامبر ﷺ به منظر نظر خواننده آورد و مجموعه احکام اسلامی ناظر بر شهروندی، شهرسازی و شهرداری را ضامن چنین تلقی‌ای محسوب داشته است.

از آنجاکه عمده شاخصه‌های شهر اسلامی ناظر بر دو رکن رهبری پیامبر ﷺ به‌عنوان شهرساز، و رهروی امت اسلامی به‌عنوان شهروند است، محققان و متفکران از منظر خود این دو کلی را رصد و ارزیابی نموده‌اند تا عناصر شهر اسلامی را احصا و تبیین کرده باشند. در تنقیح آنچه به‌عنوان عناصر شهری یا ارکان و اجزای شهر اسلامی در مطالعات مختلف به‌دست آوردیم، نوعی آشفتگی و عدم همسویی در ادبیات آنها وجود داشت که با تبیین دو بعد شکل و محتوا از

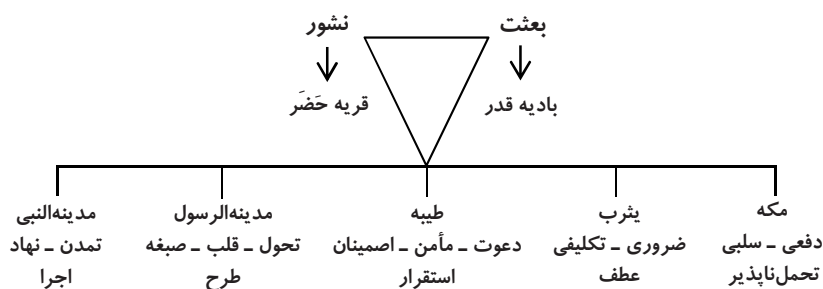
1. Cansept.



یک‌سو، و نطق تبادر مفاهیمی چون مبادی، مبانی، ارکان و اجزای شهر اسلامی، هندسه‌ای استوار به ادبیات آنها داده شد.

بعضی محققان آموزه‌های پیامبر ﷺ در نموده‌های محسوس کالبدی حیات شهروندی مانند افزایش سطح شهروندی، نگرش زیباسازی محیط، افزایش تعلیمات اجتماع، امنیت شهری، افزایش رفاه عمومی، تداوم عمران و آبادانی، مرکزیت شهری و مسجدمحوری، رویکرد اقتصادی، حضور زنان، مشارکت همگانی، اعتماد به قشر جوان، اهمیت بهداشت و اهمیت تعلیم و آموزش را به‌عنوان ارکان شهرداری پیامبر ﷺ معرفی کرده‌اند.<sup>۱</sup>

یکسان‌سازی منظرگاه مختلف و ادبیات غیر متعین نظرات پیرامونی شهر اسلامی، یکی از دغدغه‌های این مقاله را تشکیل داده است. به‌نظر می‌رسد پی‌جویی مراحل حیات شهری پیامبر ﷺ که مبتنی بر گزارش‌های تاریخی است، می‌تواند شاخصه‌های شهروندی، شهرداری و شهرسازی شهر اسلامی با الگوی مدینه‌النبی را به تصویر بکشد و تولید ادبیات و مفاهیم مشترک برای معرفت به عناصر شهر اسلامی بنماید. مقدمه طولانی فوق به همین دلیل آورده شد تا ورود به بحث اصلی را راهوار و هموار سازد؛ امید است اهل تحقیق را این تطویل، ناپسند نیامده باشد.



#### سیر تاریخی شهرنشینی پیامبر ﷺ

##### مکه، اولین مرحله از حیات شهری پیامبر ﷺ

حیات شهری پیامبر ﷺ بخشی از حیات ناسوتی سراسر نور و برکت او و ارزشمندترین ثمره آن، حیات طیبه است. در شهر آسمانی او، جایی که جنگ، صلح می‌آفریند و مرگ، زندگی شهری، زمینی تحقق یافت که خصومت به اخوت و کثرت به وحدت گرایید. حیات شهری پیامبر ﷺ

۱. این‌گونه نگرش به شهر اسلامی مبتنی بر استصلاح و استحسان و رویکرد منطقی به ارکان و اجزای شهر اسلامی در میان محققان معاصر بسیار رایج است.

اصطلاحی است که این مقاله بدان وفادار خواهد ماند تا خلق ادبیاتی واصل بر مدینه‌النبی نماید. احصای ارکان و اجزای شهر جغرافیایی پیامبر ﷺ از خلال تاریخ، خود امری شگرف است؛ همان قدر که ایستادن در مدینه‌النبی گویی گذار از ادوار تاریخ است، و این مجازگویی نیست که شهر او نه در قید زمان است و نه در قید مکان؛ هرچند هم زمان دارد و هم مکان. صرف نظر از تاریخ ابراهیمی، اسماعیلی، جرهمی، خزاعی و قریشی مکه<sup>۱</sup> و وجوه تسمیه نام مکه، و نیز صرف نظر از جامعه‌شناسی اجتماعی مکه که هر یک خود مقالی دیگر می‌طلبند، مکه شهری منقلب از خداپرستی به بت‌پرستی بود<sup>۲</sup> که یکی از شهرهای ثلاث حجاز دانسته شده است. شهرداری بر مکه در زمان ظهور اسلام، نه شایسته‌سالار، بلکه پدرسالار است. آبا و اجداد ولو کم‌خرد، محترم و لازم‌الاتباع هستند.

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئاً وَ لَا يَهْتَدُونَ.<sup>۳</sup>

و هنگامی که به آنان گفته شود: «از آنچه خدا فرو فرستاده است، پیروی کنید» می‌گویند: «بلکه از آنچه نیاکانمان را بر آن یافتیم، پیروی می‌کنیم.» و آیا اگر [بر فرض] نیاکان آنان، درباره چیزی خردورزی نمی‌کردند، و راهنمایی نمی‌شدند، [باز هم از آنان پیروی می‌کردند]؟!<sup>۳</sup>

شهرسازی مکه نه منبعث از سه جناح جنوبی یمن، شرقی ایران یا غربی روم، بلکه چادر نشین و بادیه‌پسند بود و اساساً اقلیم حجاز چنین اقتضا می‌کرد.

آنچه در این مقاله مورد توجه قرار گرفته، انسداد باب شهروندی است که در حیات شهری پیامبر ﷺ در ام‌القرای مکه تحقق یافت و آن حضرت با هجرت از آن شرایط سلبی، یک شهر الهی را معرفی کرد.

بررسی اوضاع شهری مکه بین سال‌های ۵۷۰ تا ۶۱۰ میلادی گویای نوعی ثبات و تعمیق رفتار جاهلانه است که حاکمیت چنین رفتاری، تعاملات شهروندی را تا سرحد انحطاط پیش راند و اقطاب اجتماعی در آن جاهلانه شدت یافته و رابطه انسانی بین پیر و جوان، زن و مرد، عرب و عجم، به مناسبات رئیس و مرئوس، مولا و عبد، اصالی و بدلی تنزل یافته و همه احتمالات

۱. ابن‌خلدون، تاریخ ابن‌خلدون، ج ۲، ص ۳۰۰؛ ابن‌هشام، سیرة‌النبویه، ج ۱، ص ۱۴۳.

۲. ابن‌کثیر، البدایة و النهایة، ج ۱، ص ۱۶۳.

۳. بقره (۲): ۱۷۰.

متوقع از خصایل عربی - انسانی، در جهت شدت و حمیت جاهلانه به فعلیت رسیده‌اند؛ هرچند ویژگی‌هایی چون مهمان‌نوازی و وفاداری هنوز در فضای اجتماعی مکه جریان دارد.

هرچند طهارت بیت برای طواف‌کنندگان<sup>۱</sup> و جعل امام از ذریه ابراهیمی ﷺ<sup>۲</sup> در این نخستین شهر / مسجد / خانه سرانجام نیافت، لکن دعای شهرساز ام‌القری به اجابت رسید که «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَ يُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»<sup>۳</sup>؛ رسولی در ام‌القری مبعوث شد و از بعث تا نشر، فاصله‌ای از مکه تا دارالہجره را طی کرد. اما آنچه تأکید تاریخی ما در این مقاله است، حوادث سال‌های بعثت تا هجرت و پدیدارشناسی آنهاست؛ یعنی سلسله عواملی که مکه را برای رسول خدا ﷺ و مؤمنان ساکن در آن غیر قابل تحمل و هجرت از آن را به قیمت ترک خانه و زندگی‌شان سهل و آسان نمود. بت‌پرستی، فساد مالی و اخلاقی، تبعیض اجتماعی و دیگر ویژگی‌های اجتماعی مکه در بستر روح عجب عربی، چنان قوام می‌یافت که امید پیامبر ﷺ برای هدایت مکیان و ازاله رذایل و تهذیب رفتار آنان در سال دهم بعثت به یأس مبدل شد.

### یثرب، دومین مرحله از حیات شهری پیامبر ﷺ

بررسی موقعیت جغرافیایی یثرب و گونه‌شناسی اقوام و عشایر آن،<sup>۴</sup> به‌خصوص تاریخ یهودیان یثرب،<sup>۵</sup> هریک مجالی مجزا از این مقاله می‌طلبند. کشاورزی،<sup>۶</sup> صنعت و تجارت<sup>۷</sup> یثرب، مستقیم به این

۱. و إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَا وَآتَخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَ عَهْدِنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ؛ و [یاد کنید] هنگامی که خانه [کعبه] را برای مردم محل بازگشت [و پاداش] و امن [و امان] قرار دادیم و [گفتیم] از مقام ابراهیم، نمازخانه‌ای [برای خود] برگزینید؛ و با ابراهیم و اسماعیل عهد کردیم که: خانه مرا، برای طواف‌کنندگان و مجاوران و رکوع‌کنندگان سجده‌گر، پاک و پاکیزه کنید. (بقره (۲): ۱۲۵)

۲. و إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ؛ و [یاد کنید] هنگامی که ابراهیم را پروردگارش با کلماتی آزمایش کرد و [او به‌خوبی کار] آزمایش‌ها را تمام کرد، [خدا به او] فرمود: «در واقع من تو را امام [و پیشوای] مردم قرار دادم.» [ابراهیم] گفت: «و از نسل من [نیز امامانی قرار بده.]» [خدا] فرمود: «پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد.» (بقره (۲): ۱۲۴)

۳. [ای] پروردگار ما! و در میان آنان فرستاده‌ای از [خود] شان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان بخواند [و خود پیروی کند]، و کتاب و فرزاندگی به آنان بیاموزد، و آنها را رشد دهد [و پاک کند؛ چرا]؛ که تنها تو شکست‌ناپذیر [و] فرزانه‌ای. (بقره (۲): ۱۲۹)

۴. ابن‌شبه بصری، تاریخ المدینة المنورة، ص ۳۰۵.

۵. ابن‌هشام، سيرة النبوة، ج ۲، ص ۱۳۹.

۶. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۸۷.

۷. ابن‌شبه، تاریخ المدینة المنورة، ج ۱، ص ۳۰۵.

مرحله از زندگی شهری پیامبر ﷺ وابسته است، لکن هیچ‌کدام عوامل شهری یثرب را از حیث دارالهجریه بودن آن به اثبات نمی‌رساند؛ علت‌العلل انتخاب آن به عنوان شهر پیامبر ﷺ، اقبال شهروندان یثرب برای پذیرش دعوت آن حضرت و سیر از آشوب به امنیت و افتراق به وحدت بود، که جابر ادبار اهل مکه شد. عواملی همچون دیدارهای عقبه اولی و ثانی، بیعت و اعزام مبلغ و نقیب، شرایط لازم و کافی را برای ترک قبله و قبیله و اخذ چنین تصمیم مهمی از سوی پیامبر ﷺ فراهم آورد.

مکان یابی یثرب امری جبری بود و ظرفیت مهاجرپذیری آن به لحاظ کالبدی با تدابیر شهرداری پیامبر ﷺ و قناعت و الگوی مصرف تا افق<sup>۱</sup> توسعه یافت. اساس شهروندی یثرب، پذیرش رسالت پیامبر ﷺ و وفاداری تا پای جان نسبت به آن، و اساس شهرداری پیامبر ﷺ نصح و هدایت آنان از جنگ و اضطراب به صلح و اطمینان بود. در سال دوازدهم پیمان عقبه اول را «بیعت النساء» نامیدند؛ چون سخنی از جنگ در آن نبود. اما پیمان عقبه دوم که در سال سیزدهم رخ داد، «بیعه الحرب» نامیده شد؛<sup>۲</sup> چراکه مسئله حمایت از پیامبر ﷺ ولو به جهاد و عملیات مسلحانه نه تنها مطرح، بلکه از طرف یثربیان تعهد شد. ضمن اینکه اساساً بیعت‌های رایج در حجاز، مشروعیت نظام مدنی را به اثبات می‌رساند و حقوق متقابل حاکم و مردم را نیز می‌نمایاند. در بیعت عقبه دوم، نوعی حاکمیت و فرماندهی از سوی پیامبر ﷺ و فرمان‌پذیری اهل یثرب در مقابل او تدارک گردید.

ابن اسحاق از قول ابوالهیشم بن تیهان می‌گوید: یا رسول الله ﷺ! در میان ما و یهود پیوندهای مستحکمی وجود دارد که ما آنها را از هم جدا می‌سازیم. مبدا پس از آنکه خداوند شما را پیروز گرداند، به میان قوم خود بازگردد و ما را رها سازی. در این حال رسول خدا ﷺ با تبسمی فرمود: بلکه خون با خون و ویران با ویران. من از شما می‌ام و شما از من هستید. می‌جنگم با آن که می‌جنگید و در صلح هستم با آن که در صلح هستید.<sup>۳</sup> پیمان امنیتی تعهد لازم‌الاجرای حمایت همه‌جانبه از پیامبر ﷺ و مسلمانان، شرط لازم برای گسستن از مکه و پیوستن به یثرب بود؛ چراکه با همه تنگناهای موجود در مکه، و با وجود عدم حضور ابوطالب ﷺ و خدیجه ﷺ در سال سیزدهم، همچنان خصلت عربی - قومی مانع تعرضی همه‌جانبه به پیامبر ﷺ و ایمان‌آوردگان به او بود.

۱. ائی امرت بقریه تاكل القرى. (سمهودی، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى، ج ۱، ص ۲۵۶)

۲. طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۹۶.

۳. ابن هشام، سیره النبویه، ج ۲، ص ۴۴۳ - ۴۴۲.

این سخن به معنای نوعی تفاهم یا انعطاف در مقابل ایشان نیست، بلکه منظور مقایسه شرایطی است که پیامبر خدا ﷺ در انتخاب یثرب و بریدن از مکه می‌باید انتظار می‌داشت.

از سوی دیگر اعزام نقیب توسط پیامبر ﷺ به یثرب (پس از اینکه به دعوت بیعت‌کنندگان عقبه اول، مصعب بن عمیر بن هاشم به‌عنوان معلم قرآن بدانجا اعزام شده بود)<sup>۱</sup>، حاکی از نوع دیگری از مدیریت اجتماعی پیامبر ﷺ است. رسول خدا ﷺ دوازده نقیب از میان نمایندگان قبایل یثرب تعیین کرد و نماینده خود در میان بیعت‌کنندگان عقبه دوم قرار داد.<sup>۲</sup> آنان در میان قوم خود ضامن رفتار آنان بودند؛ همچون خواریون مسیح ع که رفتار قوم خویش را ضمانت کرده بودند. در اینکه پیامبر ﷺ از میان آنان رئیس برنگزید و به آنان برای برخورد با رؤسای یثرب دستوری نداد و دوره فعالیت آنان را به قبل از حضور خود محدود کرد، عوامل مدیریتی پیامبر ﷺ در سازمان پیشاهنگی شهری یثرب هویداست. سرانجام پیمان‌های امنیتی و سفرای موثق، شرایط اطمینان‌بخشی برای پیامبر ﷺ به‌وجود آوردند تا از سختی‌های مکه رهایی یابد و عازم هجرت از قبله و قبیله شود. در منابع از سیر حرکت پیامبر ﷺ و همراهان و چگونگی طی این طریق سخن بسیار گفته شده که نقل آن در این مقاله خالی از وجه است؛ لکن شهر یثرب به‌عنوان دارالهجرت و دومین مرحله از حیات شهری پیامبر ﷺ حائز اهمیت است و شناخت شرایطی که این انتخاب را برای پیامبر ﷺ فراهم آورد، مورد نظر ماست. شرایط سلبی مکه و شرایط ایجابی یثرب در تقارن با هم روند حرکت از دارالمهجر به دارالهجرت را فراهم آورده و این هم‌زمان انسداد و افتتاح باب شهروندی از شهری غیر انسانی به شهری اسلامی محسوب می‌گشت؛ از سوی یثربیان، ورود به عرصه امنیت با پایان خصومت و جنگ، پیدایی و پایداری آرامش، و هم‌گرایی و همسویی اجتماعی و از سوی مکیان (مهاجران) خروج از بحران با پایان بخشیدن به ناامنی، اضطراب، تهدید و تحقیر. حاصل این رویکرد دوگانه بود که طرد و لعن از سوی مکه و جلب و جذب مهاجران به رهبری شخص پیامبر اکرم ﷺ از سوی مدینه، در منظر تاریخ «هجرت» نام گرفت. با ورود پیامبر ﷺ به یثرب، خصومت و تَشْتُّت به محبت و همدلی مبدل شد و سیر تحول قریه به مدینه آغاز گشت.

۱. طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۸۸.

۲. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۹۳.



### طیبه، سومین مرحله از حیات شهری پیامبر ﷺ

سومین مرحله از حیات شهری پیامبر ﷺ تحقق هجرتی بود که پس از امکان‌سنجی، ضرورت‌سنجی و اولویت‌سنجی پیامبر ﷺ از شرایط سلبی مکه و شرایط اجبابی یثرب تحقق یافت. در این مرحله می‌توان حضور پیامبر ﷺ را در یثرب به‌عنوان شایسته‌ترین شهردار، و تحول قلوب مهاجر و انصار را به‌عنوان بایسته‌ترین عامل شهروندی، موجد تبدیل یثرب به طیبه دانست. تهذیب در امر شهرداری و شهروندی و طهارت و پاکی، اولین بستر تکون و نطفه شهری جهان‌شهر آرمانی اسلام است؛ چنان‌که اساس تمدن اسلامی، مدنیت و شهروندی آن به تمام معنا در گرو تلقی صحیح از مفهوم امام و امت است که متضمن باورمندی و ایمان‌مداری است. هجرت به‌عنوان یکی از علائم این باورمندی در عرصه حیات شهری پیامبر ﷺ سه مرحله را طی نمود: وجوب هجرت در سال‌های اول<sup>۱</sup>، اباحه هجرت تا فتح مکه<sup>۲</sup> و لغو هجرت مکانی پس از فتح مکه،<sup>۳</sup> دوره‌های ارزیابی ایمان به پیامبر ﷺ تا سر حد ترک خانه و کاشانه و گزینش هم‌جواری با پیامبر ﷺ از سوی مؤمنان حقیقی به خدا و رسول ﷺ بود. از سوی دیگر مهاجرپذیری انصار و شریک دانستن مهاجران در اموال‌شان، معیار دیگری برای ایمان به خدا و رسول ﷺ بود که این هر دو معیار شهروندی طیبه را فراهم آورد؛ گویا کلمه طیب، پیامبر ﷺ و عمل صالح، ایمان مهاجر و انصار شد.

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَكْرُ أَوْلَئِكَ هُوَ يُبْورُ.<sup>۴</sup>

۱. رسول خدا ﷺ فرمودند: «هلاک می‌گردد هر کس هجرت نکند». (ابن‌مالک، الموطأ، حدود، ص ۲۸)

۲. شما مهاجرید به همان جایی که بودید. پس برگردید به‌سوی اموال خود. (ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج ۲ - ۱، ص ۳۸)

۳. لا هجرة بعد الفتح؛ پس از فتح مکه هجرت برداشته شد.

۴. فاطر (۳۵): ۱۰.

کسی که عزت می‌خواهد، پس از خدا بخواهد، چراکه؛ همه عزت فقط از آن خداست؛ سخنان پاکیزه فقط به سوی او بالا می‌رود و کار شایسته آن را بالا می‌برد؛ و کسانی که نقشه بدی‌ها را می‌کشند، برای آنان عذاب شدیدی است و فریب آنان خود نابود می‌گردد.

در چنین فضایی زمینه اجرای پیش‌طرح شهر اسلامی در قبا با احداث اولین مسجد و اقامه اولین نماز جمعه اسلام فراهم آمد.

### مدینه الرسول، مرحله چهارم از حیات شهری پیامبر ﷺ

پیمان برادری در شهر پیامبر ﷺ همچنان که درونی داشت و بیرونی، ظاهری داشت و باطنی. درون آن مسجد و بیرون آن دارالفکر نامیده شد. اما ظاهر آن نماز و باطن آن اخوت و برادری، جماعت و امت بود. از این رو پیامبر ﷺ هوشمندانه‌ترین مدیریت اجتماعی را در تکوین سیر یثرب به مدینه به کار بُرد و نه فقط بین مردان متنافر اوس و خزرج و مردان متباین مهاجر و انصار، بلکه بین مردان متفاوت مهاجر نیز پیوندی عمیق - اما نه عتیق - برقرار کرد. پس از تحقق شرط لازم هجرت که به معنای التزام شهروندان یثرب به حمایت همه‌جانبه از مسلمانان گسسته از همه‌چیز بود و به‌خوبی در مشی مدیریتی پیامبر ﷺ دنبال شد و اکنون با حضور مکیان مهاجر در مدینه به منصفه ظهور رسید و با استقبال شایسته انصار نیز آزمون گردید، ساماندهی کالبدی شهر پیامبر ﷺ با بنیان مسجدالرسول ادامه یافت؛ اما روح حاکم بر این فضاها شهری - اعم از منازلی که اکنون به کانون‌های همجواری مهاجر و انصار تبدیل شده و مسجدی که مکان تجمع فعالیت‌های عبادی و سیاسی مردم مدینه بود - همان برادری و اخوتی بود که پیامبر ﷺ از روح بزرگ خود در آنان دمید و نفخات الهی آن را تا سال‌های دور باقی گذاشت.

عقد اخوتی که به گفته ابن‌هشام، پیامبر ﷺ (در ماه‌های اول هجرت) به آن فرمان داد، از یک سو موجب گستردگی پیوندهای محدود قبلی شد و از سوی دیگر یادآور التزام به تعهدی بود که انصار در قبال مهاجران نموده بودند.<sup>۱</sup> مؤاخاة توانست ذائقه عربی مهاجران و انصار را که سال‌ها پیوند و وابستگی بی‌قید و شرطی را به عشیره تجربه کرده بودند، به تحولی معنادار که این‌بار پیوند با دین و ارتباط با مسلمانان بود، مبدل کند. این رویکرد، مسلمانان را در هر کجای عالم و با هر رنگ و زبان و فرهنگی خودی می‌انگاشت و غیرمسلمان را ولو فرزند پدر او باشد،

۱. بنگرید به: سمهودی، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی.

بیگانه می‌شمرد. این معجزه اجتماعی پیامبر ﷺ آن قدر اثرگذار بود که اگر دلایل سلبی مانع نمی‌شد، ارث بردن از همدیگر نیز جریان می‌یافت.<sup>۱</sup>

وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ.<sup>۲</sup>

و همگی به ریسمان خدا تمسک جوید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خودتان به یاد آرید، آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید، و [او] میان دل‌های شما آلفت انداخت، پس به [برکت] نعمت او، برادران [هم دیگر] شدید. و شما بر کنار حفره‌ای از آتش بودید و شما را از آن نجات داد. این‌گونه خدا نشانه‌هایش را برای شما روشن بیان می‌کند، تا شاید شما راهنمایی شوید.

در این مرحله از حیات شهری پیامبر ﷺ، ایشان اولین رکن شهری مدینه را (انسان) پس از تهذیب و تطهیر در مرحله قبل، وحدت بخشید و به معنای امت تجلی عینی داد. عامل دیگر مسجدسازی شهر اسلامی پیامبر ﷺ انعکاس حقیقت لاهوتی در عالم ناسوتی بود. آن حقیقت بندگی،<sup>۳</sup> کالبدی از جنس عناصر مُلکی می‌طلبید. مسجد اولین کالبدی بود که قابلیت دمیدن آن حقیقت را داشت. پیامبر ﷺ در توقفش در قبا و در استقرارش در مدینه، نطفه شهر اسلامی خود را با طرح مسجد منعقد کرد؛ همچون شهر بزرگی که با هسته مسجد به تکامل خواهد رسید و تمام پیچیدگی‌های یک شهر تمدن‌ساز، پوسته چنین هسته‌ای لحاظ شده باشد. این الگوی کالبدی در بنیان‌گذاری مکه، پیش‌تر نیز توسط ابراهیم و اسماعیل علیهم‌السلام تجربه شده بود. پیامبر ﷺ همچون ابراهیم علیه‌السلام در اقدامات مدنی خود در پلان مفهومی<sup>۴</sup> مدینه‌الرسول، مسجد را اولین شاخصه کالبدی قرار داد و تا اتمام آن، توسعه و تکمیل شهر را دنبال نکرد. گویا «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ»<sup>۵</sup> کعبه را به‌عنوان اولین خانه در ساختار آخرین

۱. ابن‌سعد، الطبقات الكبرى، ج ۱ - ۱، ص ۲۷۰.

۲. آل عمران (۳): ۱۰۳.

۳. وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ و جن و انسان را جز برای پرستش [خود] نیافریدم. (ذاریات (۵۱): ۵۶)

4. Concept.

۵. اولین خانه عبادتی که برای مردم بنا نهاده شد، آن خانه‌ای است که در مکه واقع است؛ خانه‌ای پربرکت که مایه

هدایت همه عالمیان است. (آل عمران / ۹۶)



شهر از تمدن اسلامی، منعکس و نقطه آغازین مدینه الرسول را به عنوان سرآغاز تمدنی نو برای دین خاتم تفسیر کرد. به عبارتی طرح‌واره مدینه همانند مکه با انگیزه شهری جهانی و تمدن‌ساز به اجرا درآمد.

اگر عقد اخوت در مدینه و احداث مسجد در آن را عوامل ایجابی شهری در این مرحله از حیات شهری پیامبر ﷺ بدانیم، باید بنیاد نفاق و بنیان یهود را نیز عوامل سلبی شهری مدینه در مقابل آنها معرفی کنیم که اولی وحدت جامعه شهری مدینه و دومی کالبد و فرم شهر اسلامی را مخدوش می‌کرد. حیات شهری پیامبر ﷺ در این مرحله بیشتر سمت و سوی حفاظت و حراست از دستاوردهای هجرت یافت؛ چراکه مفهوم اصطلاحی نفاق در ایمان به پیامبر ﷺ و تظاهر به تمسک به اسلام، هرچند در مکه پُر درد و اضطراب قبل از فتح، بی‌معناست، اما در مدینه آباد و آزاد، رسماً و پنهانی شکل می‌گیرد. نفاق ایمان که نه اسلام مصلحتی ابوسفیان بود، بلکه بُعد پنهانی آن را باید در هزار توی ضمیر مهاجرینی یافت که ایمان و اعتقادشان به رسالت پیامبر ﷺ نه از عمق جان، که از تعصبات و تقیدات خصلتی‌شان سرچشمه گرفته بود، بسیار مهلک بود. در میان این دو قشر از بنیان نفاق در مدینه و در کنار یهودیان منافق،<sup>۱</sup> چهره میانه‌ای وجود دارد که اتفاقاً دلال سیر و آشکار نفاق مدینه است. این شخص عبدالله بن ابی است که در جریان احد با مراجعت به مدینه به همراه ۶۰۰ نفر زمینه یک فاجعه را برای جهان نوپای اسلامی و تمدن مدنی فراهم آورد که لطمات آن جبران‌نشدنی بود. حدیث «قولوا لهم فلیرجعوا فانا لانسعين بالمشرکین علی مشرکین»<sup>۲</sup> به او مربوط است. او در جبهه فرهنگی نیز زحماتی برای پیامبر ﷺ به‌وجود آورد. صحیح بخاری او را از مروجان حدیث افک دانسته است. از آنجاکه همواره خنجری که از پشت کشیده می‌شود، از شمشیری که در مقابل فرود می‌آید، کارا تر است، نفاق مدنی برای تمدن نوپای نبوی ﷺ مهلک‌تر از شرک مکی بود.

ارزیابی منافقان به عنوان شهروندان شهر پیامبر ﷺ و انقسامات طینتی و نیتی آنان، مجالی موسع می‌طلبند؛ اما مسلماً به‌عنوان بخشی از رکن اصلی شهر پیامبر ﷺ، اولین مانع در روند توسعه انسانی مدینه را فراهم آوردند که بعدها هم در انحراف مسیر مدینه‌النبی به مدینه‌العرب

۱. طبری، جامع البیان، ج ۸، ص ۵۱۰ (در تفسیر آیه مربوط به مردمی از یهود که اسلام آوردند و برخی از آنان که نفاق ورزیدند).

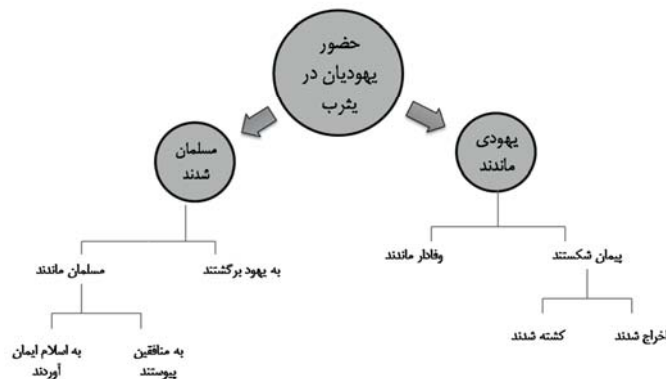
۲. متقی، کنز الاعمال، ج ۵، ص ۴۲۲.

بسیار مؤثر ارزیابی شدند. تنوع رفتار پیامبر ﷺ با انواع نفاق و عجز مقام رسالت از بصیرت بخشی به منافق نیز از آسیب‌های این مرحله از حیات شهری پیامبر ﷺ است.<sup>۱</sup>

درخصوص بنیان یهود در مدینه، پیامبر ﷺ قلعه‌نشینان یهود را واداشت تا در مأمن مرتفع‌نشینی و مهم‌انگاری خود احساس امن نکنند و دشت‌نشینان مدینه را نیز جرئت داد تا مرعوب اقتدار ناسوتی جبهه باطل نگردند؛ بلکه عبرت‌آموزان هر دو دسته را هدایت کرد تا در سایه تواضع و محبت و دور از تفرعن و ذلت می‌توانند مکمل همدیگر باشند و دینامیک اجتماعی مدینه‌الرسول را به‌وجود آوردند، تا فقیر و غنی نه دو قطب اجتماعی، بلکه دو ممتحن اخلاقی در رشد و تعالی هم باشند. این شیوه تربیتی پیامبر ﷺ در دیگر زمینه‌ها نیز ساری و جاری بود و در تمام آنها هدف تعالی و تکامل انسان نشانه‌گیری می‌شد.

در نسب‌شناسی یهود مدینه<sup>۲</sup> و یهودیانی که به پیامبر ﷺ ایمان آوردند<sup>۳</sup> و نقش یهود در شکل‌دهی تهاجم فرهنگی به مدینه و بسیاری از حوادث مربوط به آنان در مدینه، سخن بسیار است.<sup>۴</sup> لکن سه طایفه ساکن و مسبوق یهودی مدینه، یعنی بنی قینقاع، بنی نضیر و بنی قریظه، هریک به فاصله کمی با مدیریت شهری پیامبر ﷺ از شمار شهروندان مدینه کنار گذاشته شدند و اثر حذف هریک از آنها بر اقتصاد، کشاورزی و صنعت مدینه قابل توجه بود.

#### «یهود و یثرب»



۱. پیامبران قبل مانند عیسی ﷺ نیز از هدایت کوردلان عاجز بودند.

۲. نجار، الدرّة الثمینة، ج ۲، ص ۳۲۶.

۳. ابن‌هشام، سیرة النبویه، ج ۳، ص ۲۵۶.

۴. بنگرید به: منتظر قائم، تمدن‌سازی نبوی و علوی، فصل پنجم، ایستار رسول الله ﷺ با اهل کتاب.

هرچند با اخراج یهودیان از مدینه و قطع ریشه‌های برون‌مرزی آنان با فتح خیبر، جریان کالبدی شهر اسلامی تا حدی ایمنی یافت، لکن فتح مکه بر دامنه فعالیت منافقان و سهمگین‌تر شدن این غده سرطانی نظام اسلامی افزود؛ چراکه سه طایفه دیگر از منافقان با انگیزه‌های مختلف در نفاق و آن هم به همراه پیامبر ﷺ وارد مدینه شدند.<sup>۱</sup> بنابراین در این مرحله از حیات شهری پیامبر ﷺ، در کنار اخوت و مسجدسازی و بنیان براندازی یهود، بنیاد نفاق در مدینه بیش از پیش نُضج گرفت.

### مدینه‌النبی، آخرین مرحله از حیات شهری پیامبر ﷺ

شهر پیامبر ﷺ پس از مراحل استقرارگزینی و استحکام‌بخشی، در این مرحله از توسعه خود با تمهیدات رسول اعظم ﷺ به سوی الگوی کامل شهر اسلامی پیش می‌رفت. کاربست دو واژه مدینه‌الرسول و مدینه‌النبی در این مقاله مبتنی بر دو رویکرد متفاوت از تاریخ شهری صدر اسلام و ناظر بر دو ساحت متمایز می‌باشد. سیزده سال عوامل سلبی سخت‌شهروندی مکه، توان مضاعفی در دهه عوامل ایجابی مدینه پدید آورد که مجموع این ربع قرن را به دوره‌ای بی‌نظیر از تاریخ شهرسازی بشر مبدل نمود. در این مدت، مدینه‌النبی راهی را پیمود که از بادیه‌های متخاصم، مدینه‌ای متراکم و از قبایل و عشایری متنافر، امتی واحد ساخت. همه این راه به رهبری پیامبر ﷺ طی شد؛ او که نابغه عصر و دهر بود، در دوره محنت مکی اسوه حسنه بود و در دوره مکننت مدنی نیز اسوه حسنه باقی ماند.<sup>۲</sup>

در این مرحله شهری، مدینه‌النبی به سوی توسعه‌ای پایدار و تبدیل به الگوی شهری اسلامی پیش می‌رفت. این در حالی است که سالیان کوتاه سپری شد و مدینه‌النبی به شهری امن تبدیل شد که در آن آثاری از ناامنی‌های مکی و نارسایی‌های اقتصادی مدنی نبود. در این شرایط در مدینه‌النبی نه تنها خبری از شکنجه‌ها و ناامنی‌های مکه نبود، بلکه از اصحاب صفه و فقر و فاقه مدنی هم خبری نبود. عبودیت خدا در عین خُریت انسان‌ها در آن جاری بود؛ همچنان که امنیت و برکت در آن جریان داشت و همه چیز در بستر قسط و عدل، عوامل تعالی انسان را در این شهر فراهم می‌آورد. هرچند فرصت‌های جدید با عواملی در درون خود تهدید می‌شد، اما از داروغه و زندان و حصار و دربان، از دزدی و قتل و بزه در آن کمترین آمار به دست ما رسیده است.

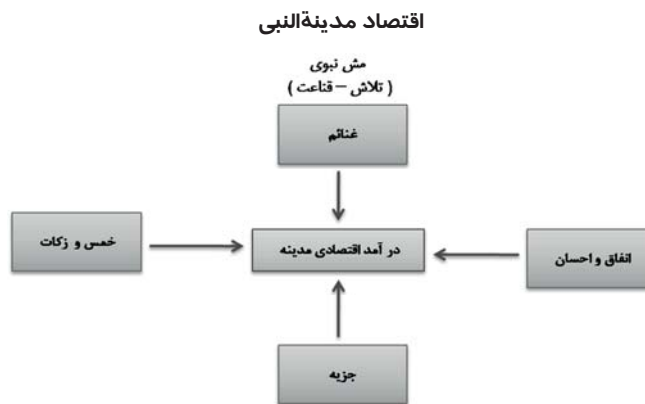
۱. بنگرید به: کرمی، «فرآیند شکل شهر اسلامی از مدینه‌النبی و مدینه‌الوصی»، بخش نفاق، رساله دکتری رشته مدرسی معارف اسلامی.

۲. لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا. (احزاب (۳۳): ۲۱)

نه اینکه نبود، بلکه به حد نصاب مُلکی خود رسیده بود؛ چراکه اساساً حیات شهری پیامبر ﷺ، آثار زندگی پیامبرانه یک انسان نیست که موضوع کلام و دین‌شناسی باشد، بلکه آثار زندگی انسانی یک پیامبر ﷺ است که موضوع مدینه‌شناسی و این مقاله است.

در این مرحله از حیات شهری پیامبر ﷺ می‌توان فرایند شکل شهر نبوی از ناحیه - شهر به جهان - شهر هستیم. سیاست جنگی و دفاعی پیامبر ﷺ، اهتمام به توسعه معیشتی مسلمانان، حضور جدی در عرصه تعاملات برون‌مرزی اسلام، استفاده و اعتقاد به توانمندی‌های اطلاعاتی در همه عرصه‌ها، حساسیت نسبت به خصومت‌های فرهنگی و سخت‌گیری نسبت به آنها، جوان‌گرایی و اعتماد به جوانان، اعتقاد به حضور زنان در عرصه‌های مختلف مدینه‌النبی، ارتقای آستانه تحمل گرایش‌های مختلف، تأکید بر امامت و رهبری، ساده‌زیستی، تولید بیشتر و مصرف کمتر، ترویج فرهنگ کار و کارآفرینی، معرفی شخصیت در تراز خود از سوی پیامبر ﷺ در علم و عمل، استمرار انقلاب اسلامی مکی، قائل به آزادی در اعتقاد مطلقاً و در عمل مقیداً، پانزده عامل مدیریت شهری پیامبر ﷺ در این مرحله است که آن حضرت نسبت به هر یک اقدامات عملی داشته و معیار و مقیاس و الگو معرفی نموده است.

از آنجاکه اقتصاد از عناصر تمدن‌سازی است،<sup>۱</sup> اقتصاد مدینه‌النبی به‌عنوان بستر توسعه فرهنگی و زمینه جهان‌شهر اسلامی، از چهار طریق پایه‌ریزی شد: غنائم برون‌مرزی، وظایف درون‌مرزی، جزیه، و انفاق و احسان، سرمایه لازم برای استمرار روند توسعه انسانی و جغرافیایی مدینه‌النبی را فراهم می‌آورد. در چنین شرایطی که انتظار می‌رفت تا خاتم انبیاء ﷺ به‌عنوان شهردار مدینه‌النبی آخرین مراحل پلان شهر اسلامی را به سرانجام رساند، روح ملکوتی‌اش به ملاً اعلا پیوست.



۱. حلبی، تاریخ تمدن اسلام، ص ۱۸.

## نتیجه

حیات شهری رسول خدا ﷺ نه صرفاً شاخصه‌های نظری و فلسفی شهر اسلامی، بلکه محتوی شکل شهر اسلامی و از جنس واقعیت عینی و خارجی است. در عین حال شهر رسول خدا ﷺ نه به جهت شکل، بلکه به لحاظ محتوای اسلامی آن شهره است.

بدیهی است تبدیل شاخصه‌های محتوایی به شکل شهر اسلامی نیازمند تفسیری مُلکی از آیات ملکوتی قرآن، و همچنین سیره پیامبر ﷺ است که در گرو بازخوانی آنها از منظر شهرسازی است. بررسی‌های انجام‌شده در این مقاله نشان داده است که شهر اسلامی پیامبر ﷺ مسجدمرکز، اما قبله‌محور است؛ محتوای شهر پیامبر ﷺ ممتنع، اما شکل آن سهل است. شهر پیامبر ﷺ زیبا، ولی ساده است. شهر پیامبر ﷺ پرتحرک، اما نظیف است. این‌گونه توصیف از شهر پیامبر ﷺ کاملاً عینیت‌بخش و تجسم‌آور است. خانه‌های شخصی و ابنیه عمومی، شوارع و معابر به‌عنوان رکن دوم هر شهر از جمله مدینه‌النبی، محصول تفکر و سبک زندگی رکن اول هر شهر، از جمله مدینه‌النبی است. از این‌رو پیامبر ﷺ مدینه‌ساز بود همان‌گونه که انسان‌ساز بود. مدیریت شهری پیامبر ﷺ درون‌جوش بود. او خود اسوه حسنه شهروند، شهردار و شهرساز اسلامی بود و پس از تهذیب و تطهیر انسان‌ها به‌عنوان رکن اول هر شهر، شهروندان اسلامی و شهرداران اسلامی را در قالب امام و امت تبیین کرد و در فرایند شهرسازی اسلامی، تعریف و تحدید نمود.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آذرنیوشه، عباسعلی، «جنبش شهرسازی در سده‌های نخستین خلافت اسلامی»، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال چهارم، تابستان ۱۳۹۲، ش ۱۱.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، بیروت، دار الفکر، ۱۹۷۱ م.
۴. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ ق.
۵. ابن شُبّه بصری، نمیری، تاریخ المدینه المنوره، بیروت، دار التراث، ۱۴۱۰ ق.
۶. ابن کثیر، البدایة و النهایة، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷ ق.
۷. ابن هشام، عبدالملک، سیره النبویه، مصر، شرکة مکتبة مصطفى البابی، ۱۳۷۵ ق.

- ۲۸ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۶، زمستان ۹۴، ش ۲۱
۸. انور، رفاعی، *تاریخ هنر در سرزمین‌های اسلامی*، مشهد، قنوت، ۱۳۹۰.
۹. بکری، عبدالله بن عبدالعزیز الأندلسی ابو عبید، *معجم ما ستعجم من أسماء البلاد والمواضع*، بیروت، بی‌نا، بی‌تا.
۱۰. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، *انساب الاشراف*، بیروت، شركة المتحدة للتوزيع، ۱۹۷۷ م.
۱۱. جان احمدی، فاطمه، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۸.
۱۲. حلبی، علی اصغر، *تاریخ تمدن اسلام*، تهران، اساطیر، ۱۳۷۲.
۱۳. حجازی، فخرالدین، *نقش پیامبران ابراهیمی در تمدن اسلامی*، تهران، مؤسسه انتشارات بعثت، ۱۳۶۰.
۱۴. سمهودی، نورالدین، *وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی*، سید جوادی، تهران، بی‌نا، ۱۳۷۶.
۱۵. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۲ ق.
۱۶. طبری، محمد جریر، *تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوک)*، بیروت، بی‌نا، ۱۴۰۹ ق.
۱۷. کرمی، رضا، «فرایند شکل شهر اسلامی از مدینه‌النبی و مدینه‌الوصی، رساله دکتری رشته مدرسی معارف اسلامی، گرایش تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، ۱۳۹۴.
۱۸. متقی، علی بن حسام‌الدین، *کنز الاعمال فی سنن الاقوال و الافعال*، حیدرآباد، مطبعة المجلس، ۱۳۷۳.
۱۹. معلمی، حسن و دیگران، *تاریخ فلسفه اسلامی*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۵.
۲۰. منتظر قائم، اصغر، *تمدن‌سازی نبوی و علوی*، اصفهان، انتشارات مرغ سلیمان، ۱۳۹۱.
۲۱. \_\_\_\_\_، *نقش پیامبران ابراهیمی در تمدن‌سازی*، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۴.
۲۲. موریس، جیمز، *تاریخ شکل شهر*، ترجمه راضیه رضازاده، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۶۷.
۲۳. نجار، محمد بن محمود، *الدرة الثمينة فی اخبار المدینه*، بی‌جا، بی‌نا، ۱۴۲۷ ق.
۲۴. نقی‌زاده، محمد، «منابع و روش شناخت مبانی نظری، معماری قدسی و شهر اسلامی»، *مجله هنر*، تابستان ۱۳۷۸، ش ۴۰، ص ۱۱۶ - ۹۹.